



قالب این چارچوب‌ها و محدودیت‌ها، در صدد به حداکثر رساندن سود خود هستند.^(۲)

استفان والت^۱ به اصول عمده نظریه انتخاب عقلایی اشاره کرده است:

۱. نظریه انتخاب عقلایی فردگراست؛ به این معنا که داده‌های سیاسی و اجتماعی به عنوان محصول جمعی انتخاب افراد در نظر گرفته می‌شود.

۲. نظریه انتخاب عقلانی بر

این فرض استوار است که هر بازیگر در جستجوی به حداکثر رساندن سود مورد نظرش است و بازیگران براساس مجموعه مشخصی از اولویت‌ها و ترتیبات معینی از انتخاب‌های ممکن، نتایجی را انتخاب خواهند کرد که بیشترین سود مورد انتظار را داشته باشد.

۳. اولویت‌های بازیگران، تابع محدودیت‌های مشخصی است و در واقع باید اولویت‌ها را براساس نتایجی که در بر خواهند داشت طبق‌بندی کرد.^(۳) چنان که ذکر شد، نظریه انتخاب عقلانی یکی از معمول‌ترین روش‌ها برای توضیح آغاز و پایان جنگ است. اغلب طرفداران این نظریه، معتقدند جنگ زمانی اتفاق می‌افتد که براساس تخمین دولت‌های درگیر در جنگ، سود مورد انتظار از جنگ از هزینه آن بیشتر باشد. به اعتقاد جمیز فیرون^۲ جنگ به شرطی می‌تواند عقلایی باشد که برای دو طرف درگیر در جنگ سود حاصل از جنگ از سود حفظ صلح، بیشتر باشد و جنگ تا زمانی ادامه می‌یابد که منابع یک طرف یا هر دو در حال فرسایش باشد و به این نتیجه برسند که با توسل به ابزار نظامی نمی‌توانند نتیجه جنگ را تعیین کنند یا این که تشخیص دهند هزینه‌های متصور جنگ از دستاوردهای متصور یا قابل دسترس آن بیشتر است.^(۴)

طبق این نظریه، جنگ زمانی به پایان می‌رسد که رهبری کشورهای در حال جنگ طبق محاسبات عقلایی درباره دستاوردهای جنگ، تصمیم می‌گیرند به جنگ پایان دهند. در واقع منافع، همان ارزش‌های سیاسی هستند که کشورها به خاطر آن وارد جنگ می‌شوند و بهای جنگ آن چیزی است که در میدان‌های نبرد پدید می‌آید. زمانی که کشورها به این نتیجه می‌رسند که مصالحه دستاورد بیشتری برای آنها می‌تواند داشته باشد و یا ضرر و زیان آنها را کاهش دهد جنگ پایان می‌یابد. از آنجا که پایه رفتار کشورهای درگیر جنگ، عقلانی است لذا خواسته‌های آنها به تبع تغییر وضعیت، تحول می‌یابد. این تغییر اهداف و خواسته‌ها ممکن است به نحوی باشد که شرایط نهایی پایان جنگ با خواسته‌های اولیه طرف‌های درگیر تفاوت کلی پیدا کند.^(۵) با این توضیحات تلاش ما بر این است تا پایان جنگ عراق و ایران را براساس این نظریه تبیین نماییم.

دلایل پایان جنگ ایران و عراق

عوامل متعددی در تصمیم‌گیری رهبران ایران و عراق برای پایان جنگ مؤثر بوده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

1. Stephen Walt

2. James Fearon

تصرف خرمشهر را صادر کرد.^(۹)

در این راستا، وزیر امور خارجه عراق اظهار داشت: «وضع موجود به ایران تحمیل خواهد شد و اگر ایران به منطق گفتگو گوش نکند مجبور است به منطق زور گوش کند، چرا که منطق زور بر این مهم تأکید دارد که نیروهای عراقی به فتح خرمشهر و محاصره آبادان اقدام خواهند کرد.»^(۱۰) همچنان ژنرال عدنان خیرا... اعلام کرد که: «عراق در نهایت ایران را شکست خواهد داد، موجودیتش را تضعیف خواهد نمود و به همه خواسته‌هایش در جنگ خواهد رسید.»^(۱۱) وی همچنین اظهار داشت: «هژمونی و سلطه ایران به پایان خواهد

رسید و نقش تهران به عنوان پلیس منطقه پایان خواهد یافت.»^(۱۲)

کاربرد سلاح‌های شیمیایی به یک بخش جدایی‌ناپذیر در استراتژی جنگی عراق تبدیل شده بود

اگرچه عراق از لحاظ نظامی به کمک برخی کشورهای غربی و عربی به برتری‌هایی دست یافت و نیروهای ایرانی در جبهه‌های جنگ با مشکلاتی مواجه شدند؛ با این وجود، روند جنگ مطابق با پیش‌بینی‌های صدام پیش رفت و شرایط نبرد

تغییر کرد. چرا که رهبران ایران با تکیه بر وجوه نرم‌افزاری قدرت مانند ایمان، شهادت، ایثار و بسیاری از مفاهیم اسلامی توانستند با بسیج گسترده مردم، برتری نظامی عراق را خنثی کنند. در نهایت، در سال ۱۳۶۱ مقاومت‌های ایران به واسطه وجود انگیزه بالای روحی و معنوی نیروهای نظامی ایران، گستره سرزمینی، ویژگی‌های جغرافیایی، عمق راهبردی و در نهایت دسترسی مناسب به آب‌های بین‌المللی توانست معادله جنگ را به سود خود تغییر دهد. به طوری که نیروهای نظامی ایران با گذر از مرحله انفعال، به مرحله مقاومت و پیشروی در خاک عراق تغییر وضعیت دادند.^(۱۳)

- عوامل موثر در محاسبات رهبران ایران برای پایان جنگ

اگرچه صدام آغازگر جنگ ایران و عراق بود، اما جنگ برای نظام اسلامی نوپای ایران فرصتی بود تا بتواند بنیادهای خود را محکم کند. رهبران ایران، پیروزی در جنگ را به عنوان کلید اصلی حل مشکلات منطقه‌ای خود می‌دانستند. مهم‌ترین اهداف ایران از برخورد با جنگ عراق علیه خود، دفاع از تمامیت ارضی ایران، حفظ پایه‌های انقلاب نوپا و نهایتاً سقوط صدام بود.^(۹) همچنین جمهوری اسلامی ایران امیدوار بود، جنگ به یک عامل اصلی برای صدور انقلاب اسلامی تبدیل شود، اما حوادث ماه‌های پایانی جنگ، رویکرد رهبران ایران را نسبت به جنگ تغییر داد به طوری که در نهایت به پذیرش پایان جنگ راضی شدند.

باید گفت که تصمیم مسئولان جمهوری اسلامی ایران برای پایان مخاصمه، نتیجه عوامل متعددی از جمله: نوپا بودن انقلاب اسلامی، نگرانی از استفاده گسترده‌تر عراق از سلاح‌های شیمیایی، هزینه‌های اقتصادی جنگ و نتایج ایران در عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو بود^(۱۰) که جداگانه به بررسی هر کدام می‌پردازیم.

نوپا بودن انقلاب اسلامی

جنگی که با حمله عراق علیه ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد در واقع یک جنگ اثبات‌کننده بود که توسط رهبران سیاسی عراق برای نمایش قدرت نظامی این کشور صورت گرفت. رهبران عراق تردید نداشتند که با توجه به نوپا بودن انقلاب اسلامی ایران، رهبران این کشور به زودی مجبور به پذیرش شکست و قبول خواسته‌های عراق خواهند شد. حمله اولیه عراق بسیار گسترده بود و صدها هزار نیروی عراقی، کشور ایران را از زمین و هوا مورد تهاجم قرار دادند و به سرعت توانستند بخش‌هایی از خاک این کشور را اشغال کنند.^(۸)

پس از پیشروی‌های اولیه نیروهای عراقی، با دفاع رزمندگان و جوانان انقلابی ایران، صدام به دلیل عدم تحقق اهدافش، به دنبال راه حلی برای خاتمه جنگ بود. لذا برای وادار کردن ایران به پذیرش توقف جنگ، فرمان

گرفت جنگ شهرها بود. در این راستا، عراقی‌ها از طریق حملات هوایی، تعدادی از شهرهای ایران را هدف قرار دادند. این استراتژی دو هدف مشخص داشت: نخست این که این اعتقاد در بین رهبران عراق وجود داشت که لازم است نیروهای عراقی خودشان را فعال ببینند و دوم این که عراق در صدد بود از این طریق به ایران بفهماند که هزینه تداوم جنگ بسیار بالاست. در واقع این کشور قصد داشت بار دیگر توانایی و ظرفیت نظامی خود را به معرض نمایش بگذارد و از طریق آسیب رساندن به زیرساخت‌های اقتصادی ایران توان اقتصادی و نظامی این کشور را برای ادامه جنگ کاهش دهد. توجیه عراقی‌ها برای استراتژی حمله به شهرها این بود که این حملات پاسخی در برابر تداوم جنگ و حملات ایرانی‌ها به بصره است.^(۱۸)

هدف دیگر عراقی‌ها از استراتژی جنگ شهرها، ایجاد اختلاف بین مردم و رهبران ایران بود. آنها از این طریق در صدد بودند نشان دهند که رهبران ایران به مردم توجهی ندارند، تا به این وسیله، حس ایثار و مقاومت را در میان ایرانیان کمرنگ کند.^(۱۹)

حمله عراق به تأسیسات نفتی و کشتی‌های حامل نفت ایران از جمله اقداماتی بودند که در راستای این استراتژی صورت گرفت و فشارهای فوق‌العاده‌ای را بر اقتصاد ایران وارد کرد.^(۲۰)

ایران اگرچه توانسته بود در این مدت پیروزی‌هایی را کسب کند اما برای مقابله با تهدیدات جدید عراق در خلیج فارس، در انتخاب رویکرد نظامی، نیازمند تجهیزات، نیروی انسانی و توان مالی بیشتری بود، امری که با توجه به منابع مالی محدود و هزینه‌های بالای کشور امکان‌پذیر نبود. گسترش جنگ به خلیج فارس، تنهاترین و اصلی‌ترین منبع در آمد ایران یعنی نفت را تهدید می‌کرد. ایران در حوزه نیروی انسانی نیز با مشکل مواجه بود چرا که در بهترین شرایط، تعداد نیروهای مسلح ایران کمتر از عراق بود.^(۲۱)

اقدامات عراق هر چند فاقد نقش مؤثر و کوتاه مدت برای تغییر موازنه به سود این کشور و پایان بخشیدن به جنگ بود؛ اما در نهایت با ضربه زدن به توان اقتصادی ایران، اقتصاد این کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

به مرور، شرایط جبهه‌های جنگ به گونه‌ای برای عراق پیش رفت که به عوض اثبات حقوق^۱ برای عراق، به جنگ برای بقای^۲ این کشور تبدیل شد.^(۱۴) در این دوره، عراق به لاک دفاعی فرو رفت. این تغییر تنها نتیجه اشتباهات رهبران سیاسی عراق نبود بلکه نتیجه اجتناب ناپذیر عزم ایران برای مقابله با تهاجم عراق بود. در این مرحله، عراق به دنبال راه حلی برای پایان جنگ و حفظ وضع موجود بود. در واقع عراق به ناچار از اهداف ابتدایی خود برای جنگ دست کشیده بود و یک استراتژی دفاعی را در پیش گرفته بود که در این استراتژی جدید، اولویت نخست جلوگیری از پیشرفت نیروهای ایرانی در خاک

عراق و در نهایت تلاش برای خنثی کردن تصمیمات رهبران ایران برای ادامه جنگ بود.^(۱۵) به باور رهبران عراق، عقب ماندگی نظامی ایران در نهایت به عقب نشینی این کشور و پایان جنگ منجر خواهد شد. اما این پیش‌بینی چندان درستی نبود چرا که نیروهای ایران توانستند با تصرف

بخشی از خاک عراق، تا دروازه‌های بصره پیشروی کنند.^(۱۶)

صدام امیدوار بود با افزایش هزینه‌های جنگ، شرایطی را ایجاد کند که نبرد در یک حالت مطمئن متوقف شود. عراق برای تدارک چنین شرایطی، در ابتدا از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد. استفاده از این گونه سلاح‌ها، هشدار جدی به ایران برای خاتمه جنگ بود. ارتش عراق در سال ۱۳۶۳ با به کارگیری عوامل شیمیایی، در صدد بود نیروهای ایرانی را نسبت به ادامه جنگ مأیوس کند، که البته این استراتژی تا اواخر جنگ تداوم داشت.^(۱۷) استراتژی دیگری که عراق در این راستا به کار

استفاده گسترده عراق
از سلاح‌های شیمیایی
بر این امر دلالت داشت که
صدام قصد دارد جمهوری
اسلامی ایران را به پذیرش
صلح وادار کند

پس از سال ۱۳۶۱، روند تحولات جبهه های جنگ کاملاً به ضرر عراق بود و روند فزاینده مشکلات داخلی، این کشور را در یک جنگ فرسایشی درگیر کرد. صدام با هدف وادار کردن ایران به خاتمه جنگ و تحمیل خواسته هایش به این کشور اقدامات متعددی را انجام داد که کاربرد سلاح های شیمیایی از جمله آنها بود.^(۲۴) عراق برای اولین بار در سال ۱۳۶۲ در عملیات والفجر ۲ از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد. بر اساس گزارش سازمان سیا، عراق در این عملیات از گاز خردل استفاده کرد. این کشور یک بار دیگر در آن سال سلاح های شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی در شمال عراق به

در دو سال ابتدایی جنگ،

خسارت های وارد شده به

بخش کشاورزی ایران

۲۲ میلیون دلار بود که در

سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲

این رقم به ۴۱ میلیون دلار

افزایش یافت

کار گرفت که این عملیات صدها مجروح و شهید شیمیایی بر جای گذاشت.^(۲۵)

در سال ۱۳۶۳ روند کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق افزایش یافت. یکی از نمونه های فاحش حملات شیمیایی عراق در این سال در عملیات خیبر ۱ در جزیره مجنون در نزدیکی بصره بود.

این منطقه که به لحاظ استراتژیک و نیز داشتن ذخایر نفت، بسیار بااهمیت بود به تصرف نیروهای ایرانی درآمد. ارتش عراق برای مقابله با نیروهای ایرانی در این عملیات از گاز اعصاب استفاده کرد. درواقع عراق نخستین کشوری بود که این عامل شیمیایی را در جنگ مورد استفاده قرار داد. هرچند در این عملیات تعداد زیادی از نیروهای ایران دچار مصدومیت شدند اما عراق در جلوگیری از عملیات آنها توفیق چندانی نداشت.^(۲۶)

جمهوری اسلامی ایران در جهت افشای اقدامات غیرقانونی عراق، تلاش های زیادی را در عرصه بین المللی انجام داد. در این راستا شماری از مصدومان

این مسأله در ماه های بعد محدودیت هایی شدیدی را بر بودجه نظامی ایران تحمیل کرد و توان نظامی این کشور را بسیار تضعیف نمود.^(۲۷)

پس از تسخیر فاو توسط ایران، در ماه های پایانی جنگ صدام به دنبال راه حلی نظامی برای شکست ایران بود و در نهایت پاسخ عراق برای از دست دادن فاو، یک حمله وسیع بود. این کشور توانست با کاربرد انبوه تجهیزات زرهی، آتش توپخانه و بمباران های شیمیایی، شبه جزیره فاو را طی دو روز باز پس بگیرد. پس از آن عراق توانست نیروهای ایرانی را از شلمچه و جزایر مجنون عقب براند و یک بار دیگر در موقعیت پیشروی در خاک ایران قرار بگیرد.^(۲۸)

عراق از جنگ هشت ساله قوی تر سر برآورد. این کشور در طول جنگ توانست نیروهای زمینی و هوایی خود را افزایش دهد. این نیروها از سال ۱۳۶۰ بسیار مجهز تر شده و تجربه عملیاتی مهمی را کسب کرده بودند. در مورد ایران، باید گفت به رغم برتری نیروی انسانی توده ای، لطامات زیادی بر ساختار نظامی ایران وارد شده بود و ضعف اقتصادی ناشی از هزینه های سنگین جنگ، قدرت این کشور را برای تجدید ساختار نظامی بسیار کاهش داده بود.

حمایت های نظام بین الملل از عراق در این دوره و مشکلات داخلی شدید ایران، تهران را در وضعیت نامطلوب قرار داده بود که این رویه هوشمندی رهبران ایران را در جهت حفظ امنیت ملی کشور طلب کرد.

بر اساس نظریه انتخاب عقلانی، یکی از شرایطی که می تواند به پایان جنگ منجر شود این است که طرفین درگیر در جنگ به این نتیجه برسند که با توسل به ابزار نظامی نمی توان نتیجه جنگ را تعیین کرد. رهبران ایران با محاسبه توان نظامی خود و دشمن و در نهایت با درک این امر که به واسطه ضعف نظامی، پیروز جنگ نخواهد بود تصمیم به پایان جنگ گرفتند.

استفاده عراق از سلاح های شیمیایی

یکی از سیاه ترین نقاط جنگ ایران و عراق، استفاده عراق از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی بود که منجر به بالا رفتن آمار شهدای جنگ شد.

خیمپاره حاوی مواد شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی مستقر در فاو به کار گرفتند و منطقه عملیاتی را با بیش از هزاران بمب شیمیایی بمباران کردند. شدیدترین حمله آنها در این عملیات در ۲۴ بهمن ماه رخ داد که در حدود ۸۴۷۷ تن مجروح و ۲۳ شهید برجای گذاشت. در این حمله از عوامل شیمیایی جدیدی چون گازهای خفه کننده و سیانور استفاده شد.^(۳۰)

در پی این حملات، جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۶۴ با اعلام این که عراق بار دیگر از سلاح های شیمیایی در جبهه های جنگ استفاده کرده، از سازمان ملل خواست تا هیأت تحقیقی را به منطقه اعزام کند. در این مرحله، گستردگی استفاده عراق از گازهای شیمیایی به حدی بود که ایران تهدید کرد که اگر شورای امنیت و سازمان ملل در این مورد تدابیری را اتخاذ نکنند، ایران نیز حق مقابله به مثل را برای خود قائل خواهد بود. به این ترتیب، شورای امنیت طی جلسه ای قطع نامه ۵۸۲ را به تصویب رساند و در فروردین ۱۳۶۵ برای نخستین بار بایادآوری نام کشور به کارگیرنده سلاح های شیمیایی، کاربرد این سلاح ها را در جنگ ایران و عراق به شدت محکوم کرد.^(۳۱)

علی رغم هشدارهای بین المللی، عراق استفاده از سلاح های شیمیایی را در سال ۱۳۶۵ تشدید کرد. در واقع، کاربرد سلاح های شیمیایی به یک بخش جدایی ناپذیر در استراتژی جنگی عراق تبدیل شده بود که البته کاربرد این سلاح ها باعث به دست آوردن موفقیت های نظامی و تاکتیکی برای رژیم صدام شده بود. در این سال، نیروهای عراقی از سلاح شیمیایی به عنوان ابزار تهاجمی استفاده می کردند. عراق از آغاز این سال از لاک دفاعی خارج شد و با حمله به مواضع رخنه پذیر نیروهای خودی، بخش هایی از مواضع آنها را تصرف کرد که مهم ترین آن، شهر مهران بود. نیروهای عراقی پیش از آغاز تهاجم به شهر مهران، با استفاده از عوامل تاول زا و اعصاب، منطقه را به شدت آلوده کرده و سپس این شهر را تصرف کردند. در اثر این حمله ۱۵۰ تن از نیروهای ایرانی شهید شدند.^(۳۲)

عراق در شهریور ماه همین سال بار دیگر در عملیات کربلای ۲ به سلاح های شیمیایی متوسل شد و

شیمیای به بیمارستان های کشورهای اروپای غربی اعزام شدند. طی سال ۱۳۶۳ در حدود ۵۰ مصدوم شیمیایی به کشورهای غربی فرستاده شدند تا افکار عمومی این کشورها از پیامدهای اقدام عراق در استفاده از سلاح های شیمیایی آگاه شوند، اما واکنش کم رنگ جامعه بین المللی، به تدیج عراق را در کاربرد این سلاح ها جسورتر کرد.^(۳۷)

به طور مثال، دولت فرانسه، به عنوان حامی عراق در طول جنگ، در مورد استفاده این کشور از سلاح های شیمیایی سکوت اختیار نمود. به طوری که روزنامه لوموند دیپلماتیک ادعا کرد که: «مجروحان شیمیایی ایران، کارکنان

کارخانجات صنعتی هستند که در حوادث صنعتی مجروح شده اند.»^(۳۸)

دولت های بریتانیا، فرانسه و آمریکا نیز واکنشی در این زمینه نشان ندادند، در صورتی که جمهوری اسلامی ایران این سه کشور را مسئول تهیه برنامه سلاح های شیمیایی عراق می دانست. دولت

انگلیس طی یک پاسخ رسمی به ادعای دولت ایران در خصوص همکاری شیمیایی با عراق اعلام کرد: «ما در این جنگ بی طرفیم» و ادعا کرد که: «هیچ گونه سلاح شیمیایی یا تجهیزاتی برای عراق تهیه نکرده است.»^(۳۹) به نظر می رسد قدرت های غربی به مجازات و یا حتی انتقاد از عراق به خاطر کاربرد این سلاح ها تمایلی نداشتند.

با آغاز عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴، نیروهای عراقی که توان مقابله با این هجوم را نداشتند بار دیگر به سلاح های شیمیایی متوسل شدند و یکی از بی سابقه ترین حملات شیمیایی را در تاریخ رقم زدند. آنها طی ۱۵ روز بیش از ۷ هزار گلوله توپ و

سقوط فاو در اواخر

فروردین ماه ۱۳۶۷

سرآغاز برهم خوردن

توازن و برتری نظامی

عراق بود



از گاز خردل و اعصاب استفاده نمود که در نتیجه آن بیش از صد تن مجروح شدند.^(۳۳)

اوج حملات شیمیایی عراق در سال ۱۳۶۵، در جریان عملیات های بزرگ کربلای ۵ و کربلای ۶ اتفاق افتاد. در این دو عملیات، هواپیماهای عراقی با پرتاب بمب های حاوی گازهای خردل، اعصاب و خفه کننده بیش از ۱۶۰ نیروی ایرانی را مصدوم کردند.^(۳۴)

در پی این حملات،

جمهوری اسلامی ایران بار دیگر به دبیرکل سازمان ملل شکایت کرد که این اقدام به صدور بیانیه ای از جانب وی دایره بر محکوم کردن کاربرد سلاح های شیمیایی منجر شد. این محکومیت، هیچ تأثیری بر اقدامات عراق نداشت، چرا که این کشور یک بار دیگر در فروردین ماه ۱۳۶۶ در عملیات کربلای ۸ از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد. در طی این عملیات، عراق منطقه عملیاتی شلمچه را مورد هدف قرار داد و با استفاده از گاز خردل و عوامل تاول زایش از صد نفر را مصدوم کرد. مهم ترین حمله شیمیایی عراق در این ماه در منطقه سلیمانیه و اربیل عراق رخ داد که تعداد زیادی شهید و مصدوم برجای گذاشت.^(۳۵)

حملات شیمیایی عراق در شرایطی صورت می گرفت که بیشتر نیروهای ایرانی آموزش و تجهیزات کافی برای مقابله با این سلاح ها را در اختیار نداشتند و این عامل برای عراق به مثابه یک نیروی تقویت کننده عمل می کرد.^(۳۶)

اوج کاربرد سلاح های شیمیایی توسط عراق در ماه های پایانی جنگ اتفاق افتاد، چرا که این کشور تلاش کرد با استفاده از این عامل به عنوان یک سلاح تهاجمی، سرزمین های تصرف شده توسط نیروهای ایرانی را پس بگیرد. نیروهای عراقی با استفاده گسترده

از سلاح های شیمیایی توانستند در ظرف چند ساعت فاو را تصرف کنند. دومین عملیات عراق پس از فتح فاو در شلمچه صورت گرفت. مهم ترین حمله شیمیایی عراق در این منطقه رخ داد. در این عملیات، نیروهای عراقی با استفاده از گازهای شیمیایی، توانستند نیروهای ایرانی را از بخشی از مناطق تحت کنترل خود عقب برانند. براساس گزارش های موجود، حدود ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر از نیروهای خودی در این عملیات مصدوم شدند.^(۳۷) در ماه بعد، عراق با دو حمله هم زمان در مهران و جزایر مجنون، گازهای شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد و آنها را وادار به عقب نشینی کرد.^(۳۸) استفاده گسترده عراق از سلاح های شیمیایی بر این امر دلالت داشت که صدام قصد دارد جمهوری اسلامی ایران را به پذیرش صلح وادار کند. اگرچه کاربرد سلاح های شیمیایی توسط عراق و تلفات ناشی از آن، تنها عاملی نبود که ایران را در جهت پذیرش آتش بس سوق داد؛ اما می توان گفت این عامل با توجه به هزینه های انسانی سنگینی که برای ایران، به ویژه در ماه های پایانی جنگ به همراه داشت، در تصمیم رهبران کشور برای پایان جنگ تأثیرگذار بود. در اینجا نظریه انتخاب عقلانی می تواند جهت تحلیل نوشتار فوق کاربرد داشته باشد.

شهری این کشور بود. عراق از سال ۱۳۶۳ برخی از شهرهای ایران را بمباران کرد که البته میزان این حملات در ابتدا محدود و کم دامنه بود. در سال‌های پایانی جنگ، این حملات بسیار تشدید شد، به طوری که بیشترین حملات هوایی عراق به شهرهای ایران در بهمن ماه سال ۱۳۶۵ انجام شد که بالغ بر ۳۴۹ مرتبه بود و بعد از آن در اسفندماه ۱۳۶۷ در حدود ۲۷۱ مرتبه بود. در طول بهمن ماه سال ۶۷ در اثر این حملات، ۱۸۰۰ نفر شهید و



۶۲۰۰ نفر زخمی شدند. یعنی به طور متوسط روزانه ۲۰۲ نفر شهید و ۶۴۴ نفر زخمی شدند.^(۴۱)

به جرأت می‌توان گفت که هزینه بالای انسانی جنگ یکی از مهم‌ترین متغیرهایی بود که رویکرد مسئولان جمهوری اسلامی ایران را نسبت به ادامه جنگ تغییر داد؛ چرا که این میزان از خسارت‌ها، ارزش دستاوردهای جنگ را بدون شک برای آنها کاهش می‌داد.

هزینه‌های اقتصادی جنگ

گرچه تخمین هزینه‌های اقتصادی واقعی جنگ بسیار دشوار است، اما با هر گونه استنادی، هزینه‌های جنگ ایران و عراق، بسیار هنگفت و فرتوت کننده بود. به طوری که این جنگ به پرهزینه‌ترین جنگ جهان سومی بعد از جنگ جهانی دوم مشهور شد. برخی از منابع، هزینه‌های اقتصادی جنگ ایران را در حدود ۶۴۴ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.^(۴۲) پس از پیروزی انقلاب، رهبران ایران با توجه به آرمان‌های انقلابی تلاش کردند به اقتصاد نیز رنگ مذهبی بدهند. آنها مهم‌ترین اهداف خود را در اقتصاد، خودکفایی در امر کشاورزی، نفی وابستگی اجتناب‌ناپذیر به تجارت با کشورهای صنعتی و تلاش برای کاهش واردات کالاهای غیرمصرفی اعلام کردند. در اقتصاد جدید، نفت به عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی در نظر گرفته شد و همچنین لزوم

هزینه‌های بالای مادی و معنوی متحمل شده در جنگ

جنگ میان ایران و عراق یکی از شدیدترین جنگ‌ها بعد از جنگ جهانی دوم بود. چرا که در طول ۸ سال تلفات زیادی را بر جای گذاشت. به ویژه در ماه‌های پایانی جنگ با توجه به تغییراتی که در صحنه نبرد رخ داد، هزینه انسانی این جنگ بسیار افزایش یافت.

هرچند برآورد دقیقی از تعداد کشته‌ها و مجروحان دو طرف در جنگ وجود ندارد؛ اما اسناد و متون مختلف، تعداد کل کشته‌های جنگی هر کدام از طرفین جنگ را ۲۶۲ هزار نفر اعلام کرده‌اند و با محاسبه ۷۰۰ هزار زخمی، این تلفات به یک میلیون نفر بالغ می‌شود.^(۴۳)

البته با توجه به استراتژی نظامی ایران که به جای نیروی زرهی، بیشتر به نیروی پیاده استوار بود و همچنین طی جنگ، نسبت به عراق در دوره زمانی طولانی‌تری ابتکار عمل را در دست داشت و از موضع تهاجمی برخوردار بود و همچنین با توجه به این که عراق در جنگ شهرها، بیشترین حملات را داشت می‌توان گفت که رقم تلفات انسانی ایران بیشتر از عراق بوده است.^(۴۴)

باید متذکر شویم که تلفات جنگ تنها به جبهه‌های نبرد ختم نمی‌شود چرا که جنگ به شهرها نیز گسترش یافته بود. یکی از روش‌های عراق برای مجبور کردن ایران به پایان جنگ و پذیرش قطعنامه، حمله به مراکز

از دست داده بودند روانه شهرها و مناطق دیگر شدند. براساس گزارش های موجود، جنگ باعث آواره گی حدود ۲/۵ میلیون نفر شد. این مسأله مشکلات زیادی را از جنبه های مختلف، به ویژه از جنبه اقتصادی ایجاد کرد. به طوری که احتیاجات روزمره جنگ زدگان، هزینه ای بالغ بر ۵/۱ میلیارد تومان را هر ماه بر دولت تحمیل می کرد.^(۴۷)

علاوه بر این آوارگان، حدود صد هزار نفر عراقیان اخراج شده از آغاز جنگ و حدود ۱/۵ میلیون پناهنده افغانی را نیز باید در نظر گرفت که این مسأله هزینه های هنگفتی را بر دولت تحمیل کرد.

نگهداری نفت به عنوان یک منبع عظیم برای آیندگان امری ضروری بود. در این حوزه آنچه در اولویت قرار داشت ثبات اقتصادی بود و تنظیم یک برنامه ریزی منطقی در جهت رشد و شکوفایی اقتصادی در درجه دوم قرار گرفت.^(۴۸)

اما جنگ با هزینه های هنگفتش به زودی از این اهداف پیشی گرفت و در واقع مانعی برای رسیدن به آنها قلمداد شد چرا که در سال های پس از جنگ نه تنها هیچ نشانه ای از بهبود اقتصادی دیده نمی شد بلکه جنگ آثار سوئی بر اقتصاد ایران باقی گذاشت که در اینجا به برخی از پیامدهای اقتصادی جنگ بر جامعه اشاره می کنیم.

بیکاری

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و با از بین رفتن برخی از مشاغل، در حدود ۱/۵ میلیون بیکار وجود داشت که با تحریم اقتصادی و کمبود مواد اولیه برخی از صنایع و همچنین جلوگیری از تولید کالاهای مصرفی، این میزان افزایش یافت. با آغاز جنگ تحمیلی و ویرانی بسیاری از شهرها و روستاها و مهاجرت ساکنین آنها و بمباران صنایع، خیل عظیم دیگری بر جمعیت بیکاران کشور افزوده شد. این معضل به دنبال خود مشکلات عدیده ای را از لحاظ اخلاقی، سیاسی و اقتصادی به همراه داشت. برخی آمارها تعداد بیکاران را بعد از آغاز جنگ در حدود ۲/۵ میلیون نفر نشان می دهد که این رقم در حدود دو برابر قبل از انقلاب بود.^(۴۹)

تورم

یکی از عمده ترین اثرات جنگ بر اقتصاد کشور، مسأله تورم بود. با حمله رژیم بعثی به ایران و با انهدام بسیاری از صنایع و منابع تولید، مشکلاتی از لحاظ واردات ایجاد شد و همچنین آوارگی میلیون ها انسان که وسایل و مسکن آنها از بین رفته بود و بیکاری ناشی از جنگ که گرانی و تورم زیادی را در پی داشت، باعث شد تا نرخ تورم تا حدود ۳۰ درصد افزایش پیدا کند.^(۵۰)

آوارگی

با شروع جنگ تحمیلی و تجاوز و بمباران مناطق و شهرهای مسکونی، بسیاری از مردمی که زندگی خود را

تخریب بخش های کشاورزی و صنایع

یکی از مهم ترین هزینه های جنگ در بخش کشاورزی بود. چراکه در ابتدای جنگ به یکی از حاصل خیزترین مناطق ایران، یعنی خوزستان، خسارت زیادی وارد شد. از طرفی با حمله عراق به شهرهای ایران میلیون ها هکتار زمین

بدون کشت باقی ماند. بنا به اظهار برخی از مسئولان ایران در دو سال ابتدایی جنگ، خسارت های وارد شده در بخش کشاورزی ۲۲ میلیون دلار بوده است که در سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ این رقم به ۴۱ میلیون دلار افزایش یافت.^(۴۸)

در بخش صنایع، بسیاری از صنایع مادر به علت وابستگی و یا به علل دیگر دچار رکود شده و از کمبود مواد اولیه رنج می بردند. با حملات عراق به شهرها، بسیاری از صنایع مادر و مهم که تغذیه کننده صنایع دیگر بودند از بین رفته و یا تعطیل شدند. این صنایع علاوه بر این که تولیدی نداشتند بسیاری از صنایع را در مناطق دیگر دچار کمبود کرده بودند. همچنین به علت ناامنی

مقاومت های گسترده

مردم ایران، روند جنگ را

تغییر داد به طوری که از

ابتدای سال ۱۳۶۱ تا بهار

۱۳۶۷ موازنه جنگ علی رغم

فراز و فرودهایش به سود

ایران تمام شده بود

ارزش دلار نیز کاسته شد. این رخدادها درست در زمانی بود که هزینه های جنگی بسیار افزایش یافته بود.^(۵۱)

در مورد هزینه های جنگ باید گفت که میزان آن در همه سال ها یکسان نبود اما می توان به طور کلی آن را به دو دوره ۱۳۵۹ - ۱۳۶۴ و ۱۳۶۴ - ۱۳۶۷ تقسیم کرد:

در دوره نخست، صادرات نفتی ایران به واسطه حمله عراقی ها آسیب چندانی ندیده بود و از طرفی جمهوری اسلامی با تکیه بر بقایای سیستم تسلیحاتی زمان شاه قادر بود جنگ را ادامه دهد. در این دوره، جمهوری اسلامی ایران سعی می کرد با تکیه بر وجوه نرم افزاری قدرت و همچنین هیجان و اشتیاق انقلابی مردم، ضعف نظامی خود را در مقابل عراق پوشش دهد. بنابراین در این دوره، جنگ تنها ۲۰ تا ۱۵ درصد از درآمدهای دولتی را شامل می شد؛ اما در دوره دوم شاهد تشدید و توسعه جغرافیای درگیری به شهرهای ایران و آب های خلیج فارس هستیم. در این دوره حمله عراق به مراکز نفتی ایران بر صادرات نفت این کشور تأثیر منفی گذاشت و هزینه های جنگ بسیار افزایش یافت، به طوری که جنگ بیش از یک سوم بودجه ایران را به خود اختصاص داده بود.^(۵۲)

جدول زیر مقایسه ای از میزان درآمدهای نفتی و هزینه های نظامی را نشان می دهد. با توجه به اینکه ۵۲ درصد از هزینه های اختصاص یافته به جنگ از طریق نفت تأمین می شد می توان به میزان درآمد نفتی که به جنگ اختصاص داده می شد پی برد.^(۵۳)

سال	هزینه های نظامی کشور ^۱	درآمد نفت
۱۹۸۰ - ۱۹۸۱	۴/۲	۱۲
۱۹۸۱ - ۱۹۸۲	۴/۴	۱۲
۱۹۸۲ - ۱۹۸۳	۱۵/۵	۲۳
۱۹۸۳ - ۱۹۸۴	۱۷/۳۷	۱۸
۱۹۸۴ - ۱۹۸۵	۲۰/۱۶	۱۲/۵
۱۹۸۵ - ۱۹۸۶	۱۴/۸۹۱	۱۲
۱۹۸۶ - ۱۹۸۷	۱۵/۸۹	۸-۶

منطقه، بسیاری از طرح های توسعه صنعتی و قراردادهای عمرانی و صنعتی مسکوت گذاشته شد. از طرفی برخی از صنایع به علت نیاز مبرم به تجهیزات نظامی، تولیدات خود را به وسایل نظامی اختصاص داده بودند.^(۴۹)

اقتصاد جنگ و نفت

اگر چه در سال های ابتدایی پیروزی انقلاب، مسئولان کشور به لزوم در نظر گرفتن نفت به عنوان موتور توسعه اقتصادی و سرمایه ای برای آیندگان تأکید می کردند اما جنگ به مانعی برای تحقق این اهداف تبدیل شد؛ چرا که وابستگی ایران را به صادرات نفت افزایش داد. جنگ مستلزم صرف هزینه های سنگین برای وارد کردن تسلیحات و مهمات جنگی بود و بدون پرداخت این هزینه ها برای تأمین تجهیزات نظامی، ایران نمی توانست جنگ را برای مدت ۸ سال ادامه دهد.

اگر چه درآمدهای نفتی، ۸۰ درصد از

درآمدهای دولت را تشکیل می داد اما فاکتور نفت نیز یک پیچیدگی عمده داشت که آسیب پذیری دو کشور را افزایش می داد و آن هم نوسان در قیمت نفت و همچنین نامشخص بودن میزان صادرات آن بود. در بین سال های ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰ قیمت نفت سه برابر شد و درآمد دولت افزایش یافت. به طوری که آقای هاشمی رفسنجانی در ۱۳۶۱ اعلام کردند: «ما با تولید یک میلیون بشکه در روز قادر هستیم جنگ را هدایت کنیم».^(۵۰) اما از سال ۱۳۶۳ صادرات نفت ایران کاهش یافت. همچنین از سال ۱۳۶۴ کاهش در تقاضای نفت خلیج فارس باعث شکسته شدن قیمت نفت از ۳۰ دلار به ۱۰ دلار شد و در سال ۱۳۶۶ به حدود ۱۸ دلار رسید. از طرفی در این دوره از

۱. هزینه ها و درآمدها به میلیارد دلار است.

جنگ عراق علیه ایران،

در واقع نمایش

قدرت عراق توسط

رهبران این کشور بود

نتایج ایران در عملیات فاو

یکی از مهم ترین عواملی که به پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ منجر شد تغییر وضعیت در صحنه های نبرد بود به طوری که سقوط فاو در اواخر فروردین ماه ۱۳۶۷ سرآغاز بر هم خوردن توازن و برتری نظامی عراق بود. در ابتدای تهاجم عراق به ایران، توازن جنگ به نفع نیروهای بعثی بود چرا که عراقی ها بسیار مجهزتر از نیروهای ایرانی بودند؛ از اینرو توانستند نیروهای ایرانی را عقب برانند و برخی از مناطق مهم خوزستان را تصرف کنند. اما مقاومت های گسترده مردم ایران، روند جنگ را تغییر داد به طوری که می توان گفت از ابتدای

سال ۱۳۶۱ تا بهار ۱۳۶۷ موازنه جنگ علی رغم فراز و فرودهایش به سود ایران تمام شده بود. پس از زمین گیر شدن ارتش عراق در دشت خوزستان و ناتوانی آن از تصرف برخی شهرهای ایران، رزمندگان اسلام طی چند عملیات بزرگ توانستند بیشتر مناطق اشغالی را آزاد کنند و نیروهای عراقی را به پشت مرزهای بین المللی برانند.^(۵۷)

**مقاومت های ایران در برابر
صدام و کشاندن عراق از
جنگ برای اثبات حقوق به
یک جنگ تدافعی، مشکلات
خودکامگی صدام را
برجسته تر کرد**

نیروهای خودی طی این سال ها چندین عملیات کوچک و بزرگ را برای پیشروی در خاک عراق به اجرا در آوردند که اکثر آنها در منطقه جنوب و با هدف رسیدن به بصره انجام شد. ایران توانست در برخی از این عملیات ها به موفقیت هایی دست یابد و ابتکار عمل را در دست گیرد. عراق در این دوران تنها با تکیه بر استراتژی دفاعی توانست در برابر حملات ایران مقاومت کند. اوج پیروزی ایران در عملیات والفجر ۸ بود. این پیروزی، برتری تعیین کننده ای را نصیب این کشور کرد. پیروزی ایران در نبرد فاو تردیدهایی را در مورد قابلیت های عراق برای استفاده از برتری کمی

برخی آمار دیگر نیز هزینه های نظامی کشور را بین سال های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ در حدود ۵ / ۸۶ میلیارد دلار تخمین می زنند. براساس این آمار، هزینه های نظامی ایران سالانه به طور متوسط ۲۹ / ۲ درصد رشد داشته که نشان دهنده حجم بالای هزینه دفاعی است که به طور متوسط ۳ / ۹ درصد تولید ناخالص داخلی از جمله نفت را به خود اختصاص داده بود.^(۵۴)

چنان که ملاحظه شد جنگ به لحاظ اقتصادی آثار مخربی بر جامعه ایران داشت که در سال های پایانی با توجه به بالا رفتن هزینه های جنگ این مشکلات نیز افزایش یافته بود. به طوری که مسئولان جمهوری اسلامی، ریشه بسیاری از مشکلات را هزینه های جنگ می دانستند. به عنوان مثال آقای هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۴ در این باره اظهار داشت: «اگر ما بودجه ۴ سال و نیم جنگ که در حدود ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ بلیون ریال است را به صنایع اختصاص می دادیم اکنون یکی از قدرتمندترین کشورهای صنعتی دنیا بودیم».^(۵۵)

نخست وزیر ایران نیز در سال ۱۳۶۶ با تأکید بر مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ اعلام کرد که: «من بر این نکته تأکید می کنم که هر کس می تواند آثار جنگ را بر کل دستگاه دولت مشاهده کند. تخصیص ۴۱ درصد از هزینه بودجه عمومی و ۵۲ درصد از هزینه های اختصاص یافته برای امور نظامی و امنیتی، نشان دهنده اهمیت جنگ به عنوان بزرگ ترین مشکل کشور است».^(۵۶)

چنین اظهاراتی به روشنی مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ را نشان می دهد. اگرچه باید گفت که مردم انقلابی ایران در مقابل مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ بسیار صبور بودند و آنها به این مسأله عادت کرده بودند که توقعات خود را کاهش دهند. آنها حکومت را با معیارهای متفاوتی ارزیابی می کردند و در واقع بر اساس ایدئولوژی اسلامی نیازهای معنوی بسیار مهم تر از نیازهای مادی بود. با این وجود، با طولانی شدن جنگ، اقتصاد ایران بیش از میزان انتظار تخریب شد.

از عقب نشینی سال ۱۳۶۱، برای نخستین بار عراق به خاک ایران وارد می شد.

عراق پس از چند عملیات موفقیت آمیز بار دیگر اهدافی فراتر از خاک خود را در دستور کار قرار داد و کوشید با بهره برداری از درهم ریختگی مواضع نیروهای ایرانی در منطقه خرمشهر، آبادان و احتمالاً کل استان خوزستان، بخش هایی از استان ایلام را به طور غیرمستقیم به تصرف درآورد، اهدافی که در ابتدای جنگ به تحقق آنها موفق نشده بود. درواقع عراق قصد داشت با دستیابی به این اهداف برای پایان جنگ از موضع قدرت بر سر میز مذاکره با ایران بنشیند. هرچند عراق برنامه ریزی خود را برای رسیدن به اهداف مزبور از سال ۱۳۶۴ آغاز کرده بود اما این بار با سرمایه گذاری وسیع تر و ایجاد تحول در تصمیم گیری از طریق تمرکززدایی و واگذاری نقش بیشتر به فرماندهان عملیاتی، افزایش واحدهای برجسته گارد ریاست جمهوری، افزایش استعداد نیروی انسانی به حدود یک میلیون نفر، بهره گیری از حجم انبوه هواپیماها و بالگردهای پیشرفته این امکان را فراهم کرد که در طول جبهه ها عملیات تهاجمی وسیعی را اجرا کند.^(۶۱)

سقوط فاو به دست عراق، ایران را به لحاظ سیاسی و نظامی در موقعیت دشواری قرار داده بود چرا که نشان می داد رژیم عراق با حمایت قدرت های اصلی بلوک شرق و غرب به یک برتری نسبی استراتژیک دست یافته است. از طرفی، این عامل موجب تضعیف روحیه نیروهای ایرانی شده بود، به طوری که شمار نیروهای داوطلب برای جنگ بسیار کاهش یافت. این در حالی بود که روحیه نیروهای عراقی تقویت شده بود و موانع روانی برای تهاجمات گسترده تر از میان رفته بود.

سقوط فاو، استراتژی سیاسی سابق ایران را مبنی بر ادامه جنگ و فرسایش توان نظامی عراق، با تردید روبه رو کرد.^(۶۲) در نتیجه این رخدادها، مسئولان جمهوری اسلامی، دریافتند که ادامه جنگ به نفع کشور نیست؛ چرا که این امر، نظامیان کم تجهیزات ایران را در مقابل نیروهای مستحکم عراقی با دشواری های زیادی

نظامی اش برانگیخت. همچنین نیروهای ایرانی را با داشتن تجهیزات کمتر نسبت به عراقی ها، با روحیه تر و توانا تر نیروهای عراقی نشان داد. برخی از تحلیل گران و مفسرین غربی و شرقی، با تصرف فاو پیروزی ایران را امری محتمل می دانستند.^(۵۸) از طرفی نیروهای ایرانی علی رغم ضعف اقتصادی و تسلیحاتی، به دلیل روحیه انقلابی، پیروزی های به دست آمده، بی اعتمادی شدید به مجامع بین المللی و ابرقدرت ها و همچنین رژیم عراق، تنبیه متجاوز را مناسب ترین گزینه برای دفع تجاوز و حفظ استقلال و رسیدن به خواسته های خود می دانستند. بنابراین در صدد برآمدند تا با هماهنگی

وسیع و همه جانبه نیروها و امکانات کشور عملیات گسترده ای را اجرا کنند که کار جنگ را یکسره کند. باید گفت ایران پس از پیروزی در فاو پیشرفت چندانی در جبهه ها نداشت و در ماه های پایانی جنگ اوضاع به طور ناگهانی به سود عراق تغییر کرد.

در ابتدای سال ۱۳۶۷، عراق بار دیگر در موضع تهاجمی قرار

گرفت و حملات گسترده ای را برای تصرف برخی از شهرها و مناطق استراتژیک در جنوب طراحى کرد و با برنامه ریزی گسترده، اقدامات هماهنگ و بکارگیری تمام ابزارها، طرح آزادسازی فاو را اجرا کرد و شبه جزیره فاو را به تصرف درآورد.^(۵۹)

عراق بعد از بازپس گیری فاو در خرداد ۱۳۶۷، به شلمچه حمله کرد. شلمچه در عرض ۸ ساعت سقوط کرد و یک ماه بعد با استفاده گسترده از سلاح های شیمیایی به جزایر مجنون حمله نمود و نیروهای ایرانی را عقب راند و سپس شهر دهلران را به تصرف خود درآورد.^(۶۰) وقوع این حوادث با توجه به پیشروی عراق در عمق خاک ایران بازتاب گسترده ای داشت، زیرا پس

جنگ ها زمانی به پایان

می رسند که رهبران

کشورهای درگیر پس از

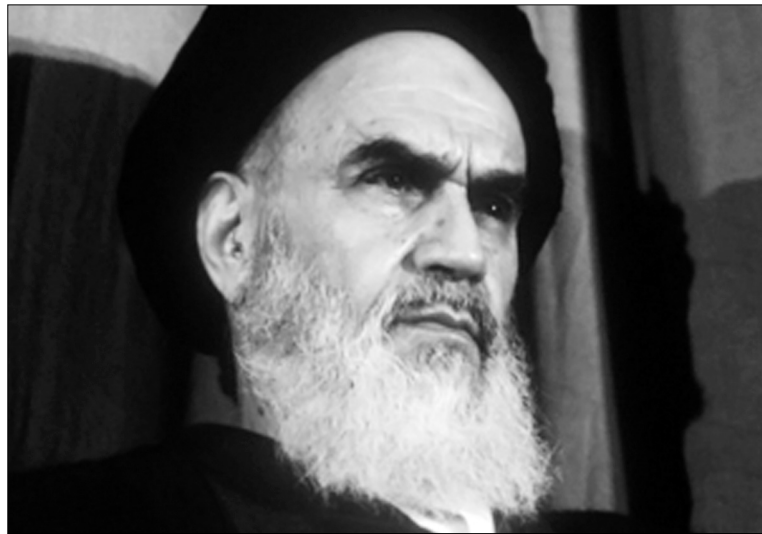
محاسبه، هزینه های جنگ را

بیشتر از سود آن بدانند

عوامل مؤثر در محاسبات رهبران عراق برای پایان جنگ

به رغم اختلافات در مورد ریشه و علل آغاز جنگ، اغلب صاحب نظران در این مورد اتفاق نظر دارند که صدام آغازگر جنگ ایران و عراق بوده است.

در ابتدای سال ۱۹۸۰ قدرت منطقه‌ای عراق به شدت رو به افزایش بود و این در حالی بود که ایران دچار بی‌نظمی و هرج و مرج پس از انقلاب بود. ایران پس از



سقوط شاه بسیاری از افسران ارشد و همچنین صدها هزار پرسنل نظامی خود را از دست داده بود. از طرفی بعد از اشغال سفارت آمریکا در تهران به وسیله دانشجویان پیرو خط امام، مهم‌ترین حامی نظامی و سیاسی اش را از دست داده بود؛ بنابراین ماشین جنگی ایران رو به زوال رفته بود. براساس محاسبات صدام و دیگر تصمیم‌گیران عراقی، ضعف نیروی نظامی ایران و همچنین اختلاف برای به دست گرفتن قدرت در میان جناح‌های مختلف در این کشور، زمان لازم برای معکوس کردن برخی معادلات بین دو کشور فرارسیده بود. بنابراین عراق در شهریور ماه ۱۳۵۹ به ایران حمله کرد در حالی که ایران آمادگی ورود به یک جنگ گسترده و تمام عیار را نداشت. صدام سعی داشت با شکست دادن نیروهای نظامی، ابتدا مناطق مورد اختلاف در در مرز دو کشور را باز پس گیرد و با الحاق خوزستان، مرکز نفت خیز ایران، به عراق به ثروت آن دست یابد و اراده خود را بر نظام حاکم بر ایران تحمیل سازد و یا آن را ساقط کند.^(۶۴)

عراق در ابتدا اروند رود را جزو قلمرو خودش اعلام کرد و پس از چند روز، تهاجم گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کرد. جمعیت ایران در آن موقع در حدود ۴۵ میلیون نفر و جمعیت عراق ۱۵ میلیون نفر بود اما

رو به رو می‌کرد. از این رو پس از عقب نشینی نیروهای نظامی ایران از برخی مناطق در ۲۲ تیرماه ۱۳۶۷ و ادامه حملات عراق، جلساتی در داخل کشور با هدف اتخاذ یک تصمیم نهایی برای جنگ تشکیل شد. در نشست مشترک سه قوه، شرایط سیاسی - اقتصادی کشور مورد بررسی قرار گرفت و در روزهای ۲۳ و ۲۴ تیرماه نشست‌های مشورتی جداگانه‌ای برگزار شد و در نهایت پس از چند روز آقای هاشمی اعلام کرد که: «طی بحث‌هایی که صورت گرفت و با توجه به مجموعه شرایط، جمهوری اسلامی ایران را به این نتیجه رساند که برای مصلحت انقلاب، قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد».^(۶۳) در شرایطی که تحولات جنگ به ضرر ایران بود و ادامه آن آینده به مراتب دشوارتری را پیش روی ایران قرار می‌داد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ راه حل منطقی و قابل قبولی برای برون رفت از این شرایط بود. در این قطعنامه تا حدی منافع و خواسته‌های ایران در نظر گرفته شده بود. بنابراین مقامات سیاسی جمهوری اسلامی با محاسبات عقلانی خویش، تشخیص دادند به جنگ پایان دهند. به عبارتی محاسبات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر مبنای انتخاب عقلانی جنگ را به فرجام رساند. اما در این فرجام، تصمیمات عراقی‌ها نیز قابل بررسی است.

طور خودکامه اداره می شد و توان نظامی تنها عامل قدرت کشور محسوب می شد.^(۶۷)

در واقع جنگ عراق علیه ایران، نمایش قدرت عراق توسط رهبران این کشور بود؛ اما مقاومت های ایران در برابر صدام و کشاندن عراق از جنگ برای اثبات حقوق به یک جنگ تدافعی، مشکلات خودکامگی صدام را برجسته می کرد. مادامی که رژیم عراق در جنگ پیشرفت چشمگیری می کرد مشکلات داخلی اش چنان محسوس نبود. مجموعه این عوامل باعث می شد صدام به پایان جنگ بیندیشد، اما چنان که ذکر شد عدم پذیرش آتش بس از سوی ایران و روند فزاینده مشکلات داخلی، عراق را به یک جنگ فرسایشی کشاند.^(۶۸)

گرایش به سلاح های شیمیایی، حملات موشکی به زیرساخت های اقتصادی و مدنی ایران، کشاندن جنگ به خلیج فارس، حمله به جزیره خارک، امکانات نفتی سیری و امکانات نظامی و هوایی لارک و... از جمله اقدامات صدام برای فشار به ایران جهت پذیرش خاتمه جنگ بود. در واقع، عراق از هدف بی ثبات کردن و سقوط نظام انقلابی ایران از طریق تهاجم نظامی، به جنگی طولانی با ایران کشیده شد. به نظر می رسد که عراق هدف اصلی خود را از جنگ رها کرده است چرا که هزینه بالایی برای این جنگ پرداخته بود و با تداوم جنگ به مدت هشت سال با معضلات اقتصادی شدیدی روبه رو شد.^(۶۹) در نهایت، عراق در سال ۱۳۶۷ از طریق تشدید جنگ کوشید ایران را برای پایان جنگ به مذاکره وادار کند.

برای رسیدن به این مقصود، عراقی ها حلبچه را با سلاح های شیمیایی هدف قرار دادند. شبه جزیره فاو را تصرف کردند و نیروهای ایرانی را از جزایر مجنون عقب راندند. همچنین عراق کوشید با بین المللی کردن جنگ، توان نظامی ایران را تضعیف کند. لذا پس از بازپس گیری منطقه عملیاتی شلمچه بار دیگر اهدافی فراتر از سرزمین های خود را در دستور کار قرار داد تا با دستیابی به این اهداف از موضع قدرت با ایران مذاکره کند.^{۷۰}

در نهایت، هنگامی که ایران آتش بس را در مرداد ۱۳۶۷ پذیرفت عراق به سرعت آتش بس را قبول کرد و

نیروهای عراق بسیار مجهزتر، آموزش دیده تر و همچنین با انگیزه تر بودند. نیروهای عراقی توانستند در دشت و خطوط خالی پیشروی کنند و برخی از مناطق حیاتی ایران، از جمله خوزستان را تصرف کردند. سرعت و موفقیت حملات اولیه عراق باعث شد برخی تصور کنند که اهداف مورد نظر عراق طی چند هفته و حتی چند ماه به دست می آید.^(۷۰)

عراق با تسخیر مناطق نفت خیز و استراتژیک خرمشهر و آبادان، به دنبال راهی برای مذاکره با ایران برای فرونشاندن آتش جنگ بود اما این یکی از اشتباهات صدام بود چرا که نظام انقلابی تازه تأسیس ایران پیشنهاد مذاکره را رد کرد و نیروی نظامی خودش را تقویت نمود.

جمهوری اسلامی ایران با بسیج مردم با تکیه بر باورها و اعتقادات مذهبی آنها، توانست برتری نظامی عراق را خنثی کند، به طوری که در سال ۱۳۶۱ هزاران نیروی داوطلب آماده جنگ بودند که بیشتر آنان را جوانان تشکیل می دادند. اگرچه این نیروها آموزش کمی دیده بودند و یا اصلاً آموزش ندیده بودند با این حال با استفاده از این تاکتیک توانستند سرزمین های اشغالی را بازپس بگیرند و حتی در خاک عراق پیشروی کنند.^(۷۱)

چنان که ذکر شد عراق از سال ۱۳۶۱ چندین بار خواهان پایان جنگ شده بود و نسبت به ایران با مشکلات بیشتری رو به رو بود، چرا که ایران جمعیت بیشتری داشت و به نظر می رسید بهتر بتواند در یک جنگ طولانی دوام بیاورد.

تهران موقعیتش را تحت رهبری امام خمینی (ره) تحکیم کرده بود و به واسطه بی اعتمادی به عراق و مجامع بین المللی حاضر نبود در برابر خواسته عراق برای آتش بس انعطاف نشان دهد. وضعیت برای صدام به گونه دیگری بود، وی دریافته بود که کسب پیروزی سریع مورد انتظار دست یافتنی نیست و عراق در صورت ادامه جنگ با مشکلات اقتصادی شدیدی روبه رو خواهد شد. از طرف دیگر آنچه حکومت صدام را تهدید می کرد عدم مشروعیت وی در داخل بود. رژیم عراق با کودتای نظامی مستقر شده بود و صدام در نظامی حکومت می کرد که اگر چه به ظاهر جمهوری بود اما به

یادداشت‌ها

1. Stephen Walt, "Rational Choice and Security Studies", **International Security**, vol.23, no.4, spring1999, p.9.
2. Hossein Razi, "An Alternative Paradigm to State Rationality in Foreign policy", **Political Research Quarterly**, 1988, p.689.
3. Walt, **Op.cit**, p. 10 - 12.
4. James .D Fearon, "Rational Explanation for War", **International Organization**, vol.49, no.3, summer, 1995, p. 380 - 82.
۵. مصطفی زهرانی، بررسی نظریه‌های پایان جنگ، فصلنامه نگین ایران، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۸.
۶. تنوکان هوی، آزمون نظریه‌های پایان جنگ در جنگ ایران و عراق، مترجم: محمدعلی قاسمی، فصلنامه نگین ایران، بهار ۱۳۸۴، ص ۵۶.
7. Robert Hume, **The United Nations, Iran - Iraq War**, 1991, p168.
8. Shahram Chubin, Charles Tripp, **the Iran and Iraq at War**, London 1989, p54.
9. Chubin Tripp, **Op.cit**, p 55.
10. A. Ayalon, **The Iraqi - Iranian War**, Middle East Contemporary Survey, IV 1979 - 1980, p18.
11. **Ibid**, p 21.
12. **Ibid**, p 21.
13. Chubin Tripp, **Op.cit**, pp56 - 57.
14. **Ibid**, p. 57.
15. **Ibid**, p. 58.
16. **Ibid**, p. 58.
17. **Conflict without Victory; The Iran - Iraq War**, Oxford University, 1988. p.4.
18. Chubin Tripp, **Op.cit**, p59 - 61.
19. **Ibid**, p 62.
20. Anoushiravan Ehteshami, "Iran - Iraq Relation after Saddam", **the Washington Quarterly**, autumn 2003, p117.

۲۱. محمود یزدان فام، نگاهی به روند پایان جنگ ایران و عراق،

فصلنامه نگین ایران، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۳.

جنگ ایران و عراق پس از ۸ سال مبارزه همه جانبه در ۲۹ مرداد ماه ۱۳۶۷ پس از برقراری آتش بس رسمی از سوی هر دو کشور پایان یافت. در حالی که جنگ هیچ تغییری در مرزهای دو کشور پدید نیاورد و در پایان، قرارداد الجزیره و تقسیمات مرزی دوباره از سوی هر دو طرف مورد تأیید قرار گرفت و عراق همه ادعاهای خود را پس گرفت.

نتیجه‌گیری

نظریه انتخاب عقلایی به خوبی می‌تواند پاسخگوی دلایل پایان جنگ میان ایران و عراق باشد. چنانکه ذکر شد براساس این نظریه، جنگ زمانی پایان خواهد یافت که رهبران کشورهای درگیر پس از محاسبه، هزینه‌های جنگ را بیش از سود آن بدانند.

ایران و عراق در این جنگ هزینه‌های زیادی را متحمل شدند در مورد ایران، اگرچه جنگ فرصت مناسبی را برای این کشور فراهم کرد تا انقلاب نوپای خود را تحکیم بخشد اما از طرفی هزینه زیادی را بر آن تحمیل کرد. هر چند هدف جمهوری اسلامی ایران از ادامه جنگ، سرنگونی رژیم بعث و حفظ انقلاب نوپای خود بود اما در ماه‌های پایانی جنگ، توان نظامی ایران بسیار تحلیل رفته بود و رزمندگان اسلام در مقابل نیروهای نظامی مجهز عراق با دشواری‌های زیادی روبه رو شدند. با ادامه جنگ، اقتصاد کشور ممکن بود بیش از پیش تخریب شود و از طرفی، هیچ استراتژی کوتاه مدتی برای پیروزی در عمل و یا برای رها شدن از جنگ و نتایج آن وجود نداشت در نتیجه مسئولان جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن هزینه‌های جنگ پایان آن را در نهایت به سود جامعه تشخیص دادند. در مورد عراق، آنچه محرک اصلی این کشور برای پایان جنگ بود هزینه‌های اقتصادی جنگ بود؛ چرا که عراق به جای کسب پیروزی سریع، به یک جنگ طولانی کشیده شد که هزینه‌های سنگینی را بر این کشور تحمیل کرد. در نهایت عراق تلاش کرد تا از طریق تشدید جنگ ایران را به مذاکره برای پایان جنگ وادار کند.

52. Ibid, p130.

53. Ibid, p 131.

54. کامران مفید، "هزینه‌های نظامی ایران در دهه ۷۰ و ۸۰"، مترجم:

محمد علی خرمی، فصلنامه نگین ایران، بهار ۱۳۸۳، ص ۵۰.

55. Hashemi Rafsanjani, Tehran, **IRNA in English**, 1 February 1985.

56. Musavi, s submission of the (1988 - 89) budget to majles, Tehran, **Home Service**, 28 Dec 1987.

57. یزدان فام، جنگ ایران و عراق، ص ۱۴.

58. هوی، پیشین، ص ۵۵.

59. یزدان فام، جنگ ایران و عراق، ص ۱۸.

60. همانجا.

61. همان، ص ۱۹.

62. همان، ص ۳۶.

63. همان، ص ۳۸.

64. **Conflict Without Victory**, p.2.

65. Ibid, P. 3.

66. Ibid, p. 5.

67. Chubin Tripp, **Op.cit**, p 55.

68. Ibid, pp 48 - 50.

69. هوی، همان، ص ۵۷.

۷۰. یزدان فام، پیشین، ص ۳۵.

۲۲. همان، ص ۱۱.

۲۳. همان، ص ۱۲.

24. **Conflict Without Victory**, p3.

25. Javed Ali, "Chemical Weapons and the Iran - Iraq War", **The Non Proliferation Review**, spring 2001, p45.

۲۶. حسین یکتا، "کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق"، فصلنامه نگین ایران، تابستان ۱۳۸۲، ص ۵۵.

27. Ali, **Op.cit**, p 48.

28. Ibid, pp 48 - 49.

29. Ibid, p 49.

۳۰. یکتا، پیشین، ص ۵۶.

۳۱. همان، ص ۵۶.

۳۲. همان، ص ۵۷.

۳۳. همان، ص ۵۷.

۳۴. همان، ص ۵۸.

۳۵. همان، ص ۵۹.

36. Ali, **Op.cit**, p50.

37. Ibid, p 52.

۳۸. یکتا، پیشین، ص ۶۰.

۳۹. محمود یزدان فام، "جنگ ایران و عراق"، فصلنامه نگین ایران، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۱.

۴۰. همان، ص ۲۱.

۴۱. یزدان فام، نگاهی به روند پایان جنگ ایران و عراق، ص ۱۳.

۴۲. کامران مفید، "هزینه‌های اقتصادی جنگ ایران و عراق"، فصلنامه نگین ایران، تابستان ۱۳۸۲، ص ۹۵.

43. Chubin Tripp, **Op.cit**, p124.

44. Ibid, p124.

45. Ibid, p125.

۴۶. فرهاد دژپسند، حمیدرضا رثوفی، اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱ و

Chubin Tripp, **Op.cit**, p 125.

47. Razi, **Op.cit**, p 698.

48. Chubin Tripp, **Op.cit**, p128.

49. Razi, **Op.cit**, p 698.

50. Chubin Tripp, **Op.cit**, P135.

51. Ibid, p 129 - 130.